

## فهرست ابن ندیم در آینه فهرست شیخ طوسی<sup>۱</sup>

هادی صابری<sup>۲</sup>

### چکیده

از نکات بسیار ضروری و مهم در بررسی کتاب‌های رجالی، توجه به مصادر آنها است؛ به گونه‌ای که استفاده از این کتب بدون در نظر گرفتن مصادر آنها موجب برداشت‌های نادرست شده است. پاسخ به گزاره‌هایی از قبیل دلالت سکوت صاحب کتاب رجالی بر صحت حال راوی، دلالت تعدد ذکر یک عنوان بر متعدد بودن آن و بالعکس، جایگاه طرق در اثبات کتاب و روایات یک راوی و نقش آن در تعویض سند و گزاره‌هایی از این دست، همگی در گروه شناخت دقیق و صحیح از منابع کتاب‌ها و نسبتشان با یکدیگر است؛ زیرا بسیاری از اطلاعات موجود در آثار رجالی، برگرفته از آثار پیشینی است و این تأثیرپذیری خصوصاً در آثار شیخ طوسی بسیار روشن است. بدین جهت بررسی مصادر فهرست شیخ طوسی از اهمیت ویژه‌ای

برخوردار است. در همین راستا مقاله‌ای با عنوان «فهرست حمید در آینه فهرست شیخ طوسی» از همین قلم در شماره ۴ مجله پژوهش‌های رجالی به چاپ رسید. مقاله پیش رو ابتدا به راه‌های کشف منبع در فهرست شیخ اشاره می‌کند و سپس به تطبیق اطلاعات فهرست شیخ با فهرست ابن ندیم به عنوان تنها مصدر باقی مانده از مصادر شیخ پرداخته شده و سعی در نشان دادن روش تعامل شیخ با این کتاب دارد، تا میزان اثرپذیری و اهمیت ابن ندیم نزد شیخ نیز تا حدودی روشن شود.

**واژگان کلیدی:** فهرست شیخ طوسی، ابن ندیم، مصدر یابی.

#### مقدمه

دو کتاب فهرستی در شیعیان از جایگاه خاصی برخوردارند؛ یکی فهرست شیخ طوسی که قدیمی‌ترین کتاب فهرستی موجود به حساب می‌آید و دیگری فهرست نجاشی. بررسی دقیق اطلاعات فهرست شیخ به روش‌های مختلف، ممکن و مفید است؛ ولی مهم‌ترین روشی که به روشن‌ترین و دقیق‌ترین نتایج منتهی می‌شود، نگاه به فهرست شیخ از دریچه مصادر آن است؛ به این دلیل که تحقیق نشان می‌دهد، شیخ طوسی خصوصاً در آثار رجالی خویش، بیشترین تأثیرپذیری از مصادر خویش را داشته و کمترین اجتهادات را اعمال کرده است. پاسخ به پرسش‌های مهمی در گروی شناخت صحیح و دقیق از مصادر شیخ است. برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. آیا سکوت شیخ از مذهب راوی، دلالت بر صحت مذهب دارد؟
۲. آیا سکوت شیخ از بیان جرح و تعدیل راوی، مفهوم دارد؟
۳. آیا آوردن مدخل‌های مختلف، دلالت بر تعدد صاحبان مداخل دارد؟ و بالعکس نیاوردن یک راوی دلالت بر وحدت آن با راوی هم‌نام یا مشابه دارد؟
۴. آیا نیاوردن نام یک راوی، به معنای نبود آثار مکتوب برای اوست؟
۵. آیا اطلاعات توصیفی موجود از راویان، صحیح، دقیق و کامل است؟
۶. آیا از طریق‌های موجود در فهرست می‌توان در فرایند تعویض سند کمک گرفت؟
۷. به طور کلی اعتماد به ظاهر سخنان رجالیان، بدون در نظر گرفتن منابع آنها و اطلاعات دیگر، چه مقدار صحیح است؟ و چه اندازه می‌توان بر اطلاعات

### فهرستی و طرق شیخ اعتماد نمود؟

۸. آیا اعتماد به اصل‌هایی مثل اصالة عدم الزیادة، بدون در نظر گرفتن ارتباط

کتاب‌های رجالی با منابع آنها صحیح است؟

به نظر می‌رسد پاسخ درست به این پرسش‌ها، بدون شناخت کامل و دقیق از مصادر شیخ طوسی امکان‌پذیر نیست. طبعاً پاسخ‌های بدون این شناخت، منجر به استظهار، تفسیر و تحلیل‌های غلط برگرفته از مباحث غیر رجالی می‌شود که از سبک و سنخ مباحث رجالی - که مبتنی بر نگرش مخصوص به این نوع از علوم نقلی است - به دور است. به عنوان مثال برخی، سکوت شیخ از بیان مذهب راوی را به دلیل وعده‌ای که شیخ در مقدمه فهرست - مبنی بر بیان فساد مذهب راویان - داده است دال بر صحت مذهب راوی مسکوت عنه می‌دانند؛ همچنان‌که برخی دیگر تعدد ذکر یک راوی در کتاب فهرست یا رجال شیخ را دلیل بر تعدد راوی دانسته و در بحث‌های مربوط به اتحاد راویان، از آن بهره برده‌اند. به نظر می‌رسد این‌گونه اظهار نظرها به دور از واقعیت‌های موجود در کتاب فهرست است و دلیل آن نیز اهمیت ندادن به سنخ مباحث رجالی است که در این دانش بسیار اهمیت دارد. هدف نگارنده سطور نیز نشان دادن اهمیت نگرش صحیح به مسائل رجالی است تا در پرتوی آن در بررسی‌های رجالی، راه درست و دقیق روشن شده و به تبع، نتایج درست از آن حاصل شود و به نظر می‌رسد با تغییر نگرش به مباحث رجالی، بازنگری کلی در بسیاری از مباحث دانش رجال لازم است. در این نوشتار به عنوان نمونه با بررسی موردی مصادر فهرست شیخ طوسی به چند پرسش مطرح شده با همین نگرش پاسخ داده می‌شود.<sup>۱</sup>

### پیشینه

در باره فهرست شیخ طوسی اثری قابل ملاحظه در شناخت این اثر از دریچه شناخت مصادر آن مشاهده نشد. این شیوه نگرش به آثار رجالی، با خطای کمتر و دارای فواید بسیاری است که در روش‌های دیگر وجود ندارد. غالب تحقیقات صورت گرفته در این

۱. جمع‌آوری موارد تصریحی شیخ از ابن ندیم، مقابله اطلاعات فهرست شیخ و ابن ندیم و نگارش قسمت معرفی کتاب ابن ندیم، توسط صدیق گرامی آقای حسین عزیزپور انجام شد.

حوزه نیز یا اصلاً به این روش توجه نداشته‌اند و یا در لابه‌لای مطالب و به صورت فرعی از این روش استفاده کرده‌اند.

در گام نخست، روش‌های کشف مصادر، به جهت محوریت مصادر در بحث، ضروری می‌نماید. از این رو در ادامه مباحثی مطرح می‌شود که در کشف منابع کتاب فهرست شیخ، مفید است؛ گرچه برخی از این راه‌ها قابلیت اجرا در کتاب‌های دیگر را نیز دارند، ولی به دلیل خصوصیتی که شیخ طوسی در روش تعامل با مصادر خود دارد، به اجمال و به صورت جداگانه به این روش‌ها پرداخته خواهد شد.

### کشف مصادر در فهرست شیخ

کشف منابع کتاب‌ها از راه‌های مختلفی امکان‌پذیر است، که برخی ساده و برخی با پیچیدگی همراه هستند. در برخی کتاب‌ها این امر، پیچیدگی کمتری دارد؛ مانند بسیاری از آثار شیخ طوسی. قراین نشان می‌دهد که شیخ طوسی اطلاعات منابع خویش را با کمترین اجتهاد و با میزان بالای امانتداری و با سبکی خاص به کتاب خویش منتقل کرده است. از این جهت، پیدا کردن رد پای منابع شیخ در آثارش با مشکلات کمتری روبرو است. این روش شیخ طوسی در انتقال اطلاعات از منابع، فواید و ملاحظاتی دارد. دسترسی به منابع قدیمی دانش رجال و آشنایی با محتوا و میزان و سنخ مباحث موجود در آنها و به صورت کلی دسترسی آینه‌وار به منابع، ارزشمندترین فایده اولیه این روش شیخ است. انتقال میراث گذشتگان به این شکل، ملاحظاتی نیز دارد که باید به آنها توجه کرد؛ به عنوان نمونه این روش مقدار قابل ملاحظه‌ای از خطاها و اشتباهات منابع را منتقل می‌کند و گاه به ناسازگاری بین مطالب چند کتاب شیخ و حتی یک کتاب وی می‌انجامد و بدین جهت اختلاف ظاهری در نظرات وی حاصل می‌شود که دقت در این سبک، می‌تواند راهی برای رفع اختلافات باشد.

ساده‌ترین راه کشف منابع، تصریح به نام منبع است که غالباً به ضمیمه ظهور عبارت در نقل مستقیم، می‌توان منبع مستقیم را کشف کرد. به عنوان نمونه، شیخ در ترجمه «ابراهیم بن محمد بن سعید»، پس از آوردن آثارش، برای تکمیل می‌گوید: «و زاد أحمد بن عبدون

في فهرسته: كتاب المبتدأ...»<sup>۱</sup> در مانند این مورد، ظاهر اولیة عبارت نشان‌دهنده اخذ مستقیم از منبع است؛ مگر اینکه قرینه‌ای بر خلاف آن اقامه شود. تصریح به نقل قول از صاحب منبع، بدون نام بردن از کتابش نیز می‌تواند راهگشای کشف منبع باشد. به عنوان مثال شیخ در ترجمه «محمّد بن عیسی بن عبید الیقطنی»، می‌گوید: «إستناه أبو جعفر ابن بابویه من رجال نوادر الحکمة، و قال: لا أروي ما يختص بروایته»<sup>۲</sup> در مانند این مورد که به نام منبع تصریح نشده است، اخذ مستقیم از کتاب و اینکه منبع، کدام کتاب است نیاز به ضمیمه نمودن قراین خارجی دارد؛ قراینی همچون توجه به اینکه در این مورد شیخ صدوق کتاب فهرستی داشته است. همچنین مقایسه اطلاعات کتاب با منابع محتمل نیز راه مناسبی برای کشف منبع است. البته روش و مدل‌های مقایسه کردن و در نظر گرفتن عوامل دیگر نیز در این جهت اهمیت دارد. مقایسه با کتاب‌هایی که در موضوع اشتراک دارند نیز اهمیت دارد؛ چه‌بسا در کتابی اطلاعات بدون نام بردن از منبعش نقل شده، اما در کتاب دیگر همان مطلب با ذکر منبع آمده باشد. و یا اینکه راه کشف منبع در آن کتاب آسان‌تر باشد. این راه‌ها چندان دشوار نیستند و غالباً نیز برای مخاطب، اطمینان‌آور است.

منابعی را که شیخ طوسی در کتاب فهرست به آنها تصریح کرده یا با عبارتی مثل «ذکر» یا «قَالَ» با تصریح به نام صاحب منبع - و نه اسم منبع - مطلبی نقل کرده، می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱. کتاب «فخر قحطان علی عدنان» جاحظ<sup>۳</sup> (م ۲۵۵ ق).<sup>۴</sup>

۲. کتاب «المعرفة و التاريخ» یعقوب بن سفیان الفسوی<sup>۵</sup> (م ۲۷۷ ق).<sup>۱</sup>

۱. طوسی، الفهرست، ص ۱۳، مدخل ۷.

۲. همان، ص ۴۰۲، مدخل ۶۱۲.

۳. همان، ص ۴۰۴، مدخل ۶۱۸ محمد بن ابی عمیر.

۴. در مجموعه آثار جاحظ که به دست ما رسیده، این اثر منتقل نشده است. البته وی در انتهای رساله «مفاخر السودان» وعده به این اثر خود می‌دهد: «فهذا جملة ما حضرنا من مفاخر السودان، و قد قلنا قبل هذا في مفاخر قحطان، و سنقول في فخر عدنان علی قحطان في كثير مما قالوا إن شاء الله.» الرسائل السياسية، ص ۵۵۷. برای اطلاع بیشتر ر.ک: مطهری، «بررسی نقل‌هایی از جاحظ در رجال نجاشی و فهرست شیخ»، کتاب شیعه، شماره ۶، صص ۱۱۶-۱۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.

۵. طوسی، الفهرست، ص ۷، مدخل ۱.

۳. فهرست ابن بَطَّه قَمِّي<sup>۲</sup> (درگذشته نیمه نخست قرن ۴ ق).

۴. کتاب الرجال کَشِّي<sup>۳</sup>.

۵. فهرست شیخ صدوق<sup>۴</sup> (م ۳۸۱ ق).<sup>۵</sup>

۶. فهرست ابن عبدون<sup>۶</sup> (م ۴۲۳ ق).<sup>۷</sup>

۷. کتاب الفهرست<sup>۸</sup> أبو الفرج محمد بن إسحاق الندیم (م ۳۸۰ ق).<sup>۹</sup>

البته غالباً بنای شیخ طوسی بر نام نبردن از منابع خویش است؛ لذا منابع شیخ در فهرست، منحصر به موارد تصریحی نیستند، بلکه مصادری وجود دارد که شیخ بدون تصریح، در کتاب خویش از آنها بهره برده است. بدین جهت باید از راه‌های دیگری که می‌تواند همراه با پیچیدگی باشد کمک گرفت.

با توجه به کنار هم قرار دادن برخی نکات در فهرست شیخ طوسی، می‌توان به منابع شیخ دست یافت. این نکات از قرار زیر است:

۱. تنها جلد دوم و سوم این کتاب به روایت عبدالله بن جعفر بن درستویه النحوی (م ۳۴۶ ق) به ما رسیده است.

۲. طوسی، الفهرست، مدخل ۶۵ أحمد بن محمد بن خالد؛ مدخل ۴۴۰ عبد الله بن جعفر الحميري، مدخل ۵۰۰ العلاء بن رزین القلاء، مدخل ۶۱۸ محمد بن أبي عمير، مدخل ۶۱۹ محمد بن علي الهمداني، مدخل ۷۸۵ هارون بن مسلم.

۳. همان، مدخل ۱۰۰ أحمد بن داود بن سعيد الفزاري، مدخل ۲۸۳ داود بن أبي زيد، مدخل ۵۸۶ لوط بن يحيى الأزدي.

۴. همان: مدخل ۲۹۹-۳۰۰ زيد النرسي و زيد الزرّاد.

۵. نجاشی، رجال، ص ۳۹۲، ۱۰۴۹: «و مات رضي الله عنه بالري سنة إحدى وثمانين و ثلاثمائة.»

۶. طوسی، الفهرست، مدخل ۷ إبراهيم بن محمد بن سعيد، مدخل ۸۶ أحمد بن محمد بن سعيد، مدخل ۴۲۵ علي بن أحمد العلوي العقيقي، مدخل ۵۰۶ عمر بن محمد بن سالم بن البراء، مدخل ۶۰۱ محمد بن إبراهيم بن يوسف الكاتب، مدخل ۶۰۳ محمد بن يعقوب الكليني.

۷. طوسی، رجال، ص ۴۱۳، ۵۹۸۸: «أحمد بن عبدون، ... مات سنة ثلاث و عشرين و أربعماتة.»

۸. در این تحقیق از بهترین و جدیدترین چاپ این کتاب استفاده شده است: کتاب الفهرست، لأبي الفرج محمد بن أبي يعقوب إسحاق الندیم، قابله على اصوله و علّق عليه و قدّم له: الدكتور أيمن فؤاد سيّد، لندن: مؤسّسة الفرقان للتراث الإسلامي، ۱۴۳۰ ق/۲۰۰۹ م.

۹. ابن ندیم به طور دقیق متوفی چهارشنبه ۲۰ شعبان سال ۳۸۰ ق در بغداد است. این تاریخ را ابو عبدالله محمد بن محمود بغدادی مشهور به ابن نجّار (متوفی ۶۴۳ ق) ذیل تاریخ بغداد خود آورده که از سنگ قبر ابن ندیم اخذ کرده است. ر.ک: رحمتی، ابن ندیم و کتاب الفهرست، ص ۱۳.

۱. تکرار طریق یا طرق مشابه که همگی به یک نفر ختم شده و از آنجا اختلاف در طریق پیدا می‌شود. به عنوان مثال این طریق در فهرست بسیار تکرار شده است: «أحمد بن عبدون، عن أبي طالب الأنباري، عن حميد بن زياد عن -حسن بن محمد بن سماعه یا عبید الله بن احمد یا القاسم بن اسماعیل یا ابراهیم بن سلیمان یا احمد بن میثم-». در این طریق اینکه همیشه اختلاف از حمید بن زیاد شروع شده، امری تصادفی نیست و نیازمند تحلیل است. اساساً دور از ذهن است که شیخ طوسی چند کتاب فهرستی در دست داشته که همگی به یک طریق از حمید نقل شده باشد و با این اختلاف در مشایخ حمید، همگی را در عبارات کتاب کنار یکدیگر قرار داده باشد، و طبیعی‌تر آن است که به یک کتاب فهرستی دسترسی داشته و همه اطلاعات را از آن نقل کرده باشد. علاوه بر آنکه نقل از یک کتاب با یک طریق، مأنوس‌تر از نقل از چند کتاب با طریق واحد است. البته این نکته به تنهایی دلیل بر کشف منبع نیست؛ بلکه با توجه به نکات بعدی استبعاد زیادی پیدا کرده، به گونه‌ای که ظن قوی به اخذ از یک منبع حاصل شده و حتی در مواردی اطمینان حاصل می‌شود.

۲. کنار هم قرار گرفتن طرق یکسان یا مشابه، همراه با عواملی که سندها را در عین خلاصه کردن، در هم داخل و متصل و پیوسته می‌کند مثل اشاره، اضممار، تعلیق. این نکته نیز به عنوان تکمیل‌کننده نکته نخست اهمیت دارد؛ چون در این فرض استبعاد نقل از چند منبع بیشتر می‌شود. به عنوان مثال طریق سه مدخل محمد بن یحیی الصیرفی [۶۳۵]، محمد بن علی المقرئ القرشي [۶۳۶]، و محمد بن الولید الخزاز [۶۳۷] به این شکل وارد شده است:

«أخبرنا جماعة، عن أبي المفضل، عن أبي جعفر ابن بطة، عن أحمد ابن أبي عبد الله، عن أبيه، عن محمد بن یحیی الصیرفی.

رویناها بالإسناد الأول، عن ابن بطة، عن أبي عبد الله محمد بن أبي القاسم، عنه.

رویناها بالإسناد الأول، عن ابن بطة، عن الصفار، عنه.»<sup>۱</sup>

کنار هم قرار گرفتن این سه طریق همراه با خلاصه کردن طریق به ابن بطه، می‌تواند نشان‌دهنده اخذ از یک منبع باشد؛ به این دلیل که نقل از چند منبع با یک طریق یکسان که

۱. طوسی، الفهرست، ص ۴۱۷.

همگی به ابن بطه ختم می‌شود مستبعد است و طبیعی‌تر آن است که نقل، از یک منبع صورت گرفته باشد.

۳. مشابه بودن مقدار، سبک و قالب ارائه اطلاعات در مداخلی که طریق‌های مشابه دارند. به عنوان مثال با بررسی اطلاعات طریق‌هایی که به نقطه مشترک ابن بطه ختم می‌شوند و ظاهراً از کتاب ابن بطه اخذ شده‌اند، مشاهده می‌شود که در قریب به اتفاق آن موارد، توثیق یا تضعیفی وجود ندارد و کتاب‌ها نیز غالباً بدون نام و با عبارت «له کتاب» وارد شده است.

۴. ترتیب خاص بین طریق‌های یاد شده پس از فردی که اختلاف از آن شروع می‌شود. به عنوان مثال در طریق‌های پرتکراری که از حمید بن زیاد نقل شده است، یک نوع ترتیب در غالب منقولات مشاهده می‌شود که نشان اخذ از یک منبع است. بررسی‌ها روشن می‌سازد که ترتیب قرار گرفتن عناوین در منقولات از حمید بر اساس مشایخ حمید و غالباً به ترتیبی خاص است.<sup>۱</sup> همچنین نقل‌های از ابن بطه و ابن ولید هم نشان‌دهنده ترتیب کتاب آنها براساس مشایخ است. این قرینه در عین حال که یگانگی منبع را ثابت می‌کند، نشان‌دهنده سبک نگارش و ترتیب منبع نیز هست.

۵. مقایسه اطلاعات مداخل دارای طریق یکسان یا مشابه با کتاب‌های دیگر. در مورد فهرست شیخ طوسی، مقایسه با فهرست نجاشی و کتاب رجال خودش اهمیت دارد. به عنوان مثال، موارد متعددی که شیخ طوسی با طریق «جماعة عن أبي المفضل» از حمید بن زیاد نقل می‌کند، نجاشی از طریق «الحسين بن عبيد الله عن أحمد بن جعفر» از حمید بن زیاد نقل می‌کند که می‌تواند نشان‌دهنده منبع شیخ طوسی، یعنی کتاب حمید باشد.

۶. در نهایت اگر یکی بودن منبع به صورت قطعی یا ظنی محرز بود، در مرحله بعد باید صاحب منبع را پیدا نمود؛ به نظر می‌رسد در طریق‌ها نوعاً اشخاصی که اختلافات از آنها شروع می‌شود، صاحبان منابع هستند؛ خصوصاً در مواردی که آن فرد در موضوع فهرست،

۱. برای تفصیل این قرینه مراجعه کنید به مقاله‌ای که از نگارنده سطور، درباره فهرست حمید در مجله پژوهش‌های رجالی شماره ۴ به چاپ رسیده است. در این مقاله درباره نقاط کلیدی این منبع به اجمال سخن رفته است.



کتاب داشته باشد و افراد دیگر واقع در طریق، خصوصاً افراد پیش از این شخص، صاحب کتاب نبوده و یا در این موضوع کتاب نداشته باشند و یا به عنوانی مثل «عدة من أصحابنا» آمده باشند که ظهور ابتدایی در طریق بودن به کتاب دارند.

می‌توان منابعی را که با استفاده از نکات بالا در فهرست شیخ طوسی کشف شد، به ترتیب میزان استفاده شیخ از آنها، این‌گونه برشمرد:<sup>۱</sup>

۱. فهرست ابن بَطَّه قَمِّي.

۲. فهرست برگرفته از فهرست حمید بن زیاد<sup>۲</sup> (م ۳۱۰ق).

۳. فهرست ابن ابی جید از ابن ولید قَمِّي (م ۳۴۳ق).

۴. فهرست شیخ صدوق.

۵. فهرست ابن عبدون.

۶. فهرست ابن ندیم.

در میان این منابع، تنها منبعی که تا به حال از گزند حوادث در امان مانده، فهرست ابن ندیم است. مقایسه اطلاعات فهرست شیخ با این اثر، می‌تواند نشان‌دهنده شکل تعامل شیخ طوسی با منابع مفقود ایشان باشد. به همین جهت ابتدا برای آشنایی بیشتر با روش شیخ، این اطلاعات بررسی و تحلیل می‌شود. این نوشتار در پی پاسخ به این پرسش‌ها است:

۱. اهمیت ابن ندیم در میان منابع شیخ چقدر است؟ آیا شیخ به این کتاب به عنوان منبع اصلی نگاه می‌کند یا به عنوان منبع فرعی؟

۲. کارکردهای ابن ندیم در فهرست چیست؟

۳. آیا شیخ در تمام مواردی که از ابن ندیم استفاده کرده است از این منبع نام برده است؟ آیا تفاوتی بین موارد تصریح شده با غیر تصریح شده وجود دارد؟ آیا تصریح یا عدم تصریح به جهتی مثل ضمنی بودن اطلاعات در موارد تصریحی بوده است تا اطلاعات منابع گوناگون با یکدیگر خلط نشوند؟

۱. البته برخی منابع هستند که به طور قطع نمی‌توان آنها را از منابع شیخ در فهرست دانست؛ مانند فهرست آثار جعفر بن محمد بن قولویه و رجال ابن عقده.

۲. از نویسنده، مقاله‌ای درباره فهرست حمید با عنوان «فهرست حمید در آینه فهرست شیخ طوسی» در شماره ۴ مجله پژوهش‌های رجالی به چاپ رسیده است.

۴. بررسی میزان اعمال نظر و تغییرات شیخ در عبارات ابن ندیم؛ از این جهت که شیخ چه مقدار اجتهاد می‌کرده و تا چه اندازه در این دانش مهارت داشته است؟ اساساً آیا شیخ اطلاعات را گزینش می‌کند؟

۶. در چه تعداد از کتاب‌هایی که شیخ از ابن ندیم آورده، طریق ذکر کرده است. مواردی که طریق را نیاورده، با موارد طریق‌دار چه فرقی دارد؟ آوردن فهرست کتاب از ابن ندیم و آوردن طریق از جای دیگر، در نگرش به طرق چه اهمیتی دارد؟ و در این موارد طریق عام چیست؟

۷. ترجیح نسخ فهرست شیخ طوسی با مقایسه آن با نسخه‌های موجود ابن ندیم. نسخه شیخ از ابن ندیم چه تفاوت‌هایی با نسخه‌های ابن ندیم موجود دارد؟ آیا اصل‌هایی مانند اصالة عدم الزیاده در حل اختلاف بین نسخ کاربرد دارند؟

اینها پرسش‌هایی هستند که پاسخ درست به آنها در گروهی شناخت رابطه فهرست شیخ و ابن ندیم است.

### معرفی کتاب ابن ندیم

کتاب «الفهرست»<sup>۱</sup> ابوالفرج محمد بن اسحاق الندیم<sup>۲</sup> (م ۳۸۰ ق)<sup>۳</sup> اثری ارزنده برای مطالعه و بررسی تاریخ فرهنگی - اجتماعی چهار قرن نخست هجری و مشتمل بر اطلاعاتی منحصر به فرد است. ابن ندیم، کتابشناس و فهرست‌نگار و محقق موصلی ساکن بغداد، این اثر را در اواخر عمر و در سال ۳۷۷ ق تألیف نموده است. قابل توجه آنکه تنها یک نسخه از این اثر، بر اساس نسخه مؤلف کتابت شده و دیگر نسخه‌های آن، کتابت‌هایی از نسخه‌هایی هستند که مشتمل بر افزوده‌هایی در چهار مقاله نخست این کتاب است.<sup>۴</sup> حواشی و افزوده‌های

۱. چنانچه اشاره شد، در این مقاله از بهترین و جدیدترین چاپ این کتاب استفاده شده است.
۲. برخی خود او را ملقب به «الندیم» دانسته‌اند (ر.ک: ندیم، الفهرست، مقدمه محقق) و برخی وی را «ابن الندیم» دانسته‌اند، (ر.ک: رحمتی، ابن ندیم و کتاب الفهرست، ص ۹). به نظر می‌رسد همان‌طور که فقیه معظم حضرت آیت‌الله شبیری بیان نموده‌اند، هر دو تعبیر صحیح است؛ مانند تعبیر کردن از رجالی معروف امامی به نجاشی و ابن النجاشی.
۳. ابن ندیم بنا بر برخی گزارشات، متوفی چهارشنبه ۲۰ شعبان سال ۳۸۰ ق در بغداد است. ر.ک: رحمتی، ابن ندیم و کتاب الفهرست، ص ۱۳.
۴. نسخه اصلی مؤلف بدون زیادات وزیر مغربی، نسخه‌ای است که دو پاره شده و اکنون نیمی از آن به شماره

ابوالقاسم حسین بن علی، مشهور به وزیر مغربی (م ۴۱۸ ق) به نسخه خود، بعدها توسط کاتبان به داخل متن راه یافته و اساس کتابت تمام دیگر نسخه‌های موجود کتاب الفهرست قرار گرفته است. حواشی مذکور، در تصحیح آخر کتاب مشخص شده است.<sup>۱</sup>

### میزان بهره طوسی از فهرست ابن ندیم

شیخ طوسی در کتاب فهرست خویش در ۲۳ مدخل به نام ابن ندیم تصریح کرده است. این موارد عبارتند از: ۳۶- إسماعیل بن علی بن إسحاق\*؛ ۱۳۶- بندار بن محمد بن عبد الله\*؛ ۱۳۹- ثابت الضریر\*؛ ۱۶۲- الحسن بن محبوب؛ ۱۶۴- الحسن بن علی بن فضال؛ ۲۸۳- داود بن ابی زید؛ ۲۹۲- ربیع بن ابی مدرک\*؛ ۳۵۶- صفوان بن یحیی؛ ۳۷۱- طاهر\*؛ ۳۸۰- علی بن ابراهیم بن هاشم؛ ۴۲۴- علی بن ابراهیم بن یعلی\*؛ ۴۴۵- عبد الله بن محمد\*؛ ۵۱۶- عمر بن ابی زیاد\*؛ ۵۲۰- عیسی بن مهران؛ ۵۲۸- عمار بن معاویه\*؛ ۵۶۴- الفضل بن شاذان؛ ۶۰۱- محمد بن ابراهیم بن یوسف؛ ۶۰۵- محمد بن مسعود؛ ۶۵۲- محمد بن الحسن\*؛ ۸۷۱- أبو سلمة\*؛ ۸۷۲- أبو خالد\*؛ ۸۷۳- أبو الحسین\*؛ ۸۷۴- أبو عبد الله\*.

در ۱۴ مدخل علامت‌دار، فهرست ابن ندیم تنها منبع شیخ طوسی بوده است. خصوصیت مشترک تمامی این مداخل نیز نداشتن طریق به آثار ذکر شده در آنها است و یکی از مشخصات فهرست ابن ندیم این است که طریقی برای کتاب‌های معرفی شده‌اش نمی‌آورد. بیشتر این مداخل یا در فهرست نجاشی موجود نیستند (که عبارتند از: ثابت الضریر ۱۳۹؛ علی بن ابراهیم بن یعلی ۴۲۴؛ عبدالله بن محمد البلوی ۴۴۵؛ عمار بن معاویه ۵۲۸؛ ابوسلمه البصری ۸۷۱؛ ابوالحسین ابن المعمر الکوفی ۸۷۳؛ ابو عبدالله الحسنی ۸۷۴)؛ و یا اینکه نجاشی از منبعی غیر از فهرست ابن ندیم بهره برده است که آن منبع نیز از منابع مورد استفاده شیخ نبوده است. مانند مدخل «عمر بن ابی زیاد ۵۱۶». در ۹ مدخل دیگر نیز غالباً به‌عنوان تکمیل‌کننده اطلاعات منابع دیگر در خصوص کتاب‌ها وارد

چهارمین شماره

فهرست ابن ندیم در آینه فهرست شیخ طوسی

۱۹۳۴ در کتابخانه شهید علی پاشا در سلیمانیه، و نیم دیگر به شماره ۳۳۱۵ در کتابخانه چستربیتی نگهدای می‌شود. ر.ک: رحمتی، ابن ندیم و کتاب الفهرست، صص ۲۰-۲۱.  
۱. همان، صص ۵-۶، ۱۳.

شده است و در هیچ‌جا منابع دیگر در ضمن ابن ندیم نیامده‌اند. مجموع این مطالب می‌تواند از فرعی بودن فهرست ابن ندیم نزد شیخ نشان داشته باشد و اینکه اهمیت کمتری نسبت به بقیه منابع موجود نزد شیخ داشته است. همچنین در برخی موارد از غیر ابن ندیم کتاب‌هایی را آورده است و تنها از ابن ندیم کتاب یا کتاب‌هایی را اضافه می‌کند. اما آیا شیخ طوسی از این کتاب بدون تصریح به او هم بهره برده است؟ با توجه به روش عمومی شیخ در نام نبردن از منابع خویش، این امر کاملاً محتمل است و نیاز به بررسی دارد.

با توجه به وجود فهرست ابن ندیم به عنوان تنها منبع فهرستی شیخ که برجای مانده، کار آسان است و با جستجوی شباهت‌های بین فهرست شیخ و ابن ندیم، می‌توان به منبع بودن کتاب ابن ندیم اطمینان یا گمان حاصل کرد. برای رسیدن به این مقصود، تمامی مواردی که در فهرست ابن ندیم از آثار شیعیان معرفی شده است استخراج، و با فهرست شیخ طوسی مقایسه شد. در نتیجه به نظر می‌توان رد پای فهرست ابن ندیم را در ۱۹ مدخل کشف کرد که یا ابن ندیم قطعاً منبع شیخ طوسی بوده است و یا احتمال منبع بودن فهرست ابن ندیم در آن جدی است. این مداخل عبارتند از:

إسماعیل بن محمد (۴۸)؛ الحسن بن موسی (۱۶۱)؛ زرارة بن أعین (۳۱۲)؛ صالح بن أبي الأسود (۳۶۱)؛ علي بن إسماعیل بن میثم (۳۷۴)؛ علي بن وصیف (۳۸۳)؛ علي بن یقطین (۳۸۹)؛ عبد الله بن أحمد بن عامر (۴۴۴)؛ عبد الله بن أحمد بن أبي زید (۴۴۶)؛ عمر بن محمد بن سالم (۵۰۶)؛ عبد العزيز بن یحیی بن أحمد (۵۳۶)؛ محمد بن النعمان (۵۹۵)؛ محمد بن الخلیل (۵۹۶)؛ محمد بن قبة (۵۹۷)؛ محمد بن بشر (۵۹۸)؛ محمد بن أحمد بن عبد الله (۶۰۰)؛ محمد بن محمد بن النعمان (۷۱۱)؛ هشام بن الحکم (۷۸۳)؛ ابن مملک (۹۰۸).

نکته مهمی که نشان‌دهنده میزان اهمیت ابن ندیم نزد شیخ طوسی است، روش استفاده شیخ از این کتاب است. بررسی موارد موجود نشان می‌دهد شیخ تنها در مواردی از این کتاب استفاده می‌کند که مجبور باشد؛ لذا در مواردی که ابن ندیم تنها مصدر شیخ طوسی است یا نجاشی آن مدخل را ندارد؛ مثل مداخل‌های داود بن أبي زید ۲۸۳، صالح بن أبي الأسود ۳۶۱، علی بن ابراهیم بن یعلی ۴۲۴، عبدالله بن محمد البلوي ۴۴۵؛ و یا اگر

نجاشی مدخل دارد، از منابعی استفاده کرده است که منبع شیخ طوسی نبوده‌اند؛ مثل مدخل عمر بن ابی زیاد الأُبزاری ۵۱۶، که در این مدخل نجاشی از فهرست حمید بن زیاد و همچنین احتمالاً از مطالب ابن نوح بهره برده است و بنا بر تحقیق، فهرست حمیدی که نجاشی از آن استفاده کرده، در دسترس شیخ طوسی نبوده است؛ بلکه نسخه‌ای از فهرستِ فهرستِ حمید بن زیاد در دسترس ایشان بوده است<sup>۱</sup> و از ابن نوح نیز هنگام تألیف فهرست بنا بر تصریح خودش - در شرح حال ابن نوح - استفاده‌ای نکرده است.<sup>۲</sup> و یا اینکه منبع نجاشی هم قطعاً یا احتمالاً خود ابن ندیم بوده است؛ مثل عیسی بن مهران المستعطف که احتمال دارد منبع نجاشی در آن ابن ندیم باشد و عنوان بُنّاد بن محمد که نجاشی تصریح به اخذ از ابن ندیم کرده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد شیخ طوسی در مواردی که از منبع دیگر اطلاعاتی داشته باشد، با کتاب ابن ندیم آن را تکمیل می‌کند و در صورتی که صاحب کتابی در فهرست ابن ندیم باشد که در منابع دیگر نیست، نام او را می‌آورد، منوط به آنکه در جایی از فهرست ابن ندیم باشد که مربوط به آثار شیعیان باشد؛ زیرا بررسی‌ها نشان داد، شیخ طوسی ظاهراً نه به تمام کتاب ابن ندیم، بلکه تنها به قسمت‌های مربوط به شیعیان مراجعه کرده است؛ به عنوان نمونه عنوان «محمد بن زکریا بن دینار الغلابی» در کتاب ابن ندیم آمده است<sup>۳</sup> و نجاشی از او به عنوان «وجه من وجوه أصحابنا» یاد کرده است، اما در فهرست شیخ مدخل ندارد.<sup>۴</sup> همچنین «وهب بن وهب ابی البختری»<sup>۵</sup> که در فهرست شیخ مدخل دارد ولی با وجود اطلاعات خوبی که درباره وی در فهرست ابن ندیم هست، شیخ از آن استفاده نکرده است. همچنین «علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی»<sup>۶</sup> به نظر می‌رسد دلیل این امر نیز ورود این صاحبان کتب در قسمتی از کتاب ابن ندیم است که

۱. ر.ک: مقاله (صابری)، «کتاب حمید در آینه فهرست شیخ طوسی»، مجله پژوهش‌های رجالی، شماره ۴)
۲. طوسی، فهرست، ص ۸۶، مدخل ۱۱۷ احمد بن محمد بن نوح. البته شیخ در نسب این مدخل به خطا رفته است و همان‌طور که نجاشی در فهرست خویش آورده است، نسب صحیح و کامل او «أحمد بن علی بن العباس بن نوح السیرافی» است. نجاشی، رجال، ص ۸۶، مدخل ۲۰۹.
۳. ندیم، الفهرست، النص، ص ۱۵۷.
۴. نجاشی، رجال، باب المیم، ص ۳۴۶، مدخل ۹۳۶.
۵. ندیم، الفهرست، النص، ص ۱۴۶.
۶. همان، النص، ص ۱۶۶.

مربوط به شیعیان نیست.<sup>۱</sup> جالب آنکه عنوان «عبد العزیز بن یحیی الجلودی» در دو جای فهرست ابن ندیم وارد شده است.<sup>۲</sup> اما مقایسه اطلاعات موجود در فهرست شیخ با این دو جا نشان می‌دهد ایشان تنها از جایی که مربوط به شیعیان است، بهره برده است.

### نکته‌ای کلیدی در رابطه با نقش طرق

نظریه تعویض سند، از نظریاتی است که در میان متأخران و خصوصاً در دوره معاصر، برای تصحیح سند روایات مورد توجه برخی عالمان قرار گرفته است. بر این اساس، بخشی از سند روایت که ضعیف است با جابه‌جایی با بخشی از سند دیگر تصحیح می‌شود؛ برای نمونه، شیخ طوسی روایاتی را با طریق علی بن احمد بن ابی جید از محمد بن الحسن بن ولید نقل می‌کند. بنا بر مبنایی که در میان متأخران مشهور است، ابن ابی جید توثیق نشده است؛ بنابراین طریق به ابن ولید ضعیف است. بنا بر نظریه تعویض سند، طریق شیخ به روایات ابن ولید در فهرست (جماعة عن محمد بن علی بن الحسن) جایگزین این طریق شده و تصحیح سندی صورت می‌پذیرد. به نظر می‌رسد این نظریه، از نگرشی درباره طریق‌ها سرچشمه گرفته که مفاد طریق‌های موجود در کتاب فهرست را اخبار از تک‌تک روایات یا نسخه مؤلفان می‌داند و می‌پندارد کسانی مانند شیخ طوسی، همه این روایات را به طریق سماع یا قرائت یا دست‌کم مناوئه (تحویل دادن) نسخه مصدر، دریافت کرده‌اند؛ در حالی که این نگرش، پذیرفتنی نیست. یکی از شواهدی که در رد این نظریه می‌توان اقامه کرد، مواردی است که شیخ طوسی از ابن ندیم اسم کتاب‌ها را آورده، اما طریق به آن

حالی  
پژوهش‌ها

سال ششم، شماره ۳، سال ۱۴۰۳

۱. ابن راوی و افراد بعدی در بخش «الفن الأول من المقالة الثالثة [أسماء و أخبار الصدر الأول ممن أخذ عنه المآثر و الأنساب و الأخبار من خط الیزیدی]» وارد شده‌اند.

۲. ندیم، الفهرست، ج ۱، ص ۶۸۹: «الجلودی، أبو أحمد عبد العزیز بن یحیی بن أحمد بن عیسی الجلودی، من أكابر الشيعة الإمامية و الرواة للآثار و السير. و قد ذكرت ما له من كتب السير في موضعه من مقالة الأخباريين و النسابين. و له من الكتب في الفقه: كتاب المرشد و المسترشد، كتاب المتعة و ما جاء في تحليلها.» این مدخل در قسمت «المقالة الخامسة - الفن الخامس» قسمت شیعه امامیه وارد شده است. شیخ طوسی از این قسمت از فهرست ابن ندیم استفاده نکرده است: ندیم، الفهرست، ج ۱، ص ۳۵۶: «الجلودی، و هو أبو أحمد عبد العزیز بن یحیی بن أحمد بن عیسی الجلودی، من أهل البصرة، أخباری صاحب سیر و روایات. و توفی بعد الثلاثين و ثلاثمائة. و له من الكتب: كتاب أخبار خالد بن صفوان، كتاب أخبار العجاج و روبة بن العجاج، كتاب مجموع قراءة أمير المؤمنين علی بن ابی طالب.»

کتاب‌ها را از منابع دیگر یاد کرده است. البته کتاب ابن ندیم موجود است و اثری از طریق در این موارد نمی‌بینیم تا گفته شود شیخ طریق در کتاب ابن ندیم را با طریق کتاب دیگر تعویض کرده است. این امر نشان‌دهنده آن است که الزاماً منابع شیخ در نام بردن از کتاب‌ها، با منابعی که طریق‌ها را از آنها آورده است، یکسان نیستند و طریق به کتاب، الزاماً طریق برای اثبات وجود نسخه‌ای از آن کتاب نزد شیخ طوسی یا حتی طریق برای انتساب نام کتاب هم نیست و صرفاً برای اتصال سند وارد شده است.

در توضیح این مطلب توجه به این نکته ضروری است که از روش‌های مرسوم انتقال حدیث در قرن چهارم و پنجم، اجازات عام بوده است؛ بدین معنا که استاد برای انتقال میراث دیگران به شاگرد، همه روایاتی را که شاگرد صحت و انتساب آنها را احراز می‌کند، به او اجازه می‌دهد. در اصل استاد به دلیل اهل دانستن شاگرد در تشخیص صحت و انتساب روایات، احراز انتساب یک کتاب یا روایت را به او وامی‌گذارد. بنابراین فرایند گذاشتن سند در ابتدای روایات، پس از احراز انتساب آن توسط شاگرد انجام می‌شود و در این فرض، قرار دادن سند اجازه گرفته شده، به ابتدای روایات، بی‌اشکال است. اما پرسش اینجاست که قائلین به تعویض سند، در فرضی که اصل صحت و ثبوت روایت با مشکل مواجه است، چگونه طریق عام را برای تصحیح روایت به کار می‌برند، در حالی که به کارگیری طرق عام منوط به احراز روایت از راهی غیر از طریق عام است. به عبارت دیگر ابتدا باید انتساب روایت ثابت باشد تا بتوان طریق عام را در ابتدای آن اضافه نمود. به همین جهت به نظر می‌رسد نگرش رایج فعلی در رابطه با طرق، نگرشی اشتباه و به دور از واقعیت است. این همان نگرشی است که برخواسته از نگرش غیر رجالی است که بدون در نظر گرفتن سنخ مباحث هر دانشی، به آنها پرداخته شده است.

اما مواردی که شیخ نام کتاب‌ها را از ابن ندیم آورده و طریق را از منبعی دیگر آورده، دو گونه است: در برخی به اخذ نام کتاب‌ها از ابن ندیم تصریح می‌کند؛ مانند مدخل الحسن بن محبوب السراد (۱۶۲) <sup>۱</sup> که پس از اینکه چند کتاب از ابن محبوب نام می‌برد، می‌گوید: «و زاد ابن الندیم: کتاب التفسیر» و سپس طریق خود را چنین می‌آورد: «أخبرنا بجمع کتبه

۱. طوسی، فهرست، باب الحاء/باب الحسن/۱۲۲.

و روایاته». همچنین در مدخل الحسن بن علی بن فضال (۱۶۴)<sup>۱</sup> پس از آوردن چند کتاب، می‌نویسد: «و زاد ابن الندیم: کتاب التفسیر (کتاب الأنبياء و المبتدأ) و کتاب الطب». و سپس طریق را این‌گونه می‌آورد: «أخبرنا بجمع روایاته». همچنین است مدخل‌های علی بن ابراهیم بن هاشم القمی (۳۸۰)<sup>۲</sup> و عیسی بن مهران (۵۲۰)<sup>۳</sup> و محمد بن ابراهیم بن یوسف (۶۰۱)<sup>۴</sup> و محمد بن مسعود العیاشی (۶۰۵)<sup>۵</sup>.

در برخی مداخل نیز شیخ، نامی از ابن ندیم در اخذ نام کتاب‌ها نیآورده است، ولی از شباهت‌های موجود بین این دو کتاب، روشن است که نام کتاب‌ها را از فهرست او گرفته، ولی طریق را از منبع دیگر آورده است؛ مانند مدخل علی بن یقطين (۳۸۹)<sup>۶</sup> و عبدالله بن أحمد بن أبي زيد (۴۴۶)<sup>۷</sup> و محمد بن أحمد بن عبدالله (۶۰۰)<sup>۸</sup>. نکته قابل تأمل اینکه شیخ در برخی از مداخل، نامی از عنوان کتاب‌ها نمی‌برد و صرفاً عنوان مبهمی مثل (له کتب) را می‌آورد که از بی‌اطلاعی وی از نام کتاب‌ها نشان دارد؛ مثل مدخل عمر بن محمد بن سالم (۵۰۶)<sup>۹</sup>. این نیز می‌تواند به عنوان قرینه‌ای برای روشن شدن نقش طرق باشد؛ زیرا وقتی طریق برای کتاب نامعلومی آورده شود، بدان معناست که طریق، نقشی در انتساب کتاب و نسخه‌ای از آن ندارد و احراز این دو امر به شخصی که به آن اجازه داده شده، واگذار شده است.

### اجتهاد شیخ در اطلاعات منبع

از مسائلی که اهمیت فراوانی در میزان اعتبار اطلاعات شیخ در فهرست دارد، میزان اجتهاد شیخ در اطلاعات مصادر خویش است؛ هرچه اطلاعات دست نخورده‌تر باشند، به همان

۱. همان، باب الحاء/باب الحسن/۱۲۳.
۲. همان، باب العین/باب علی/۲۶۶.
۳. همان، باب العین/باب عیسی/۳۳۲.
۴. همان، باب المیم/باب محمد/۳۹۱.
۵. همان، باب المیم/باب محمد/۳۹۶.
۶. همان، باب العین/باب علی/۲۷۰.
۷. همان، باب العین/باب عبدالله/۲۹۶.
۸. همان، باب المیم/باب محمد/۳۹۰.
۹. طوسی، فهرست، باب العین/باب عمر/۳۲۵.



مقدار انتقال دهنده میراث گذشتگان است و هر چه اجتهاد بیشتر باشد به همان اندازه از اطلاعات مصادر دور شده‌ایم. با توجه به قرآینی می‌توان میزان اجتهادات شیخ در فهرست را کشف کرد؛ از جمله میزان انتقال اشتباهات، خصوصاً اشتباهات فاحش مصادر شیخ طوسی؛ مقایسه اطلاعات آن با دیگر کتاب‌ها مانند فهرست نجاشی در صورتی که منبع یکسانی داشته باشند نیز می‌تواند از جمله قراین باشد. اما یکی از این قراین که خطای بسیار کمتری به نسبت راه‌های دیگر دارد، رجوع به مصادر موجود و مقایسه اطلاعات آن است. درباره فهرست شیخ طوسی نیز این راه امکان‌پذیر است؛ از این جهت که فهرست ابن ندیم به‌عنوان تنها منبع فهرستی شیخ باقی مانده است. از این جهت مقایسه اطلاعات این دو کتاب می‌تواند مقدار و میزان اجتهاد شیخ نسبت به مصادرش را نشان دهد.

بر اساس بررسی‌ای که انجام شد، به جز مواردی از اختلاف که بین فهرست ابن ندیم و شیخ طوسی از باب اختلاف نسخه وجود دارد - حال یا اختلاف در نسخ خود فهرست شیخ، یا اختلاف بین نسخ ابن ندیم -، اختلافات برآمده از اجتهادات شیخ، ناچیز است و به نظر می‌رسد شیخ طوسی اطلاعات خویش را بدون کم و کاست منتقل می‌کرده است. شیخ تنها در چند مورد انگشت شمار به اصلاح یا تردید در اطلاعات ابن ندیم دست زده است. به عنوان نمونه: ابن ندیم در شرح حال الحسن بن موسی النوبختی چنین آورده است: «و هو أبو محمد الحسن بن موسی بن أخت أبي سهل بن نوبخت متكلم فيلسوف كان يجتمع إليه جماعة من النقلة لكتب الفلسفة مثل أبي عثمان الدمشقي و اسحاق و ثابت و غيرهم و كانت المعتزلة تدعيه و الشيعة تدعيه و لكنه الى حيز الشيعة ما هو لأن آل نوبخت معروفون بولاية علي و ولده عليه السلام في الظاهر فلذلك ذكرناه في هذا الموضوع و كان جماعة للكتب قد نسخ بخطه شيئاً كثيراً و له مصنفات و تأليفات في الكلام و الفلسفة و غيرها.»<sup>۱</sup>

در حالی که شیخ در مدخل الحسن بن موسی النوبختی (۱۶۱) چنین آورده است: «ابن أخت أبي سهل بن نوبخت، يكتنى أبا محمد، متكلم، فيلسوف، و كان يجتمع إليه جماعة من نقلة كتب الفلسفة: مثل أبي عثمان الدمشقي و إسحاق و ثابت و غيرهم. و كان إمامياً حسن الاعتقاد و نسخ بخطه شيئاً كثيراً. و له مصنفات كثيرة في الكلام و الفلسفة و غيرهما.» روشن

۱. ندیم، الفهرست، ج ۱، ص ۶۳۶.

است که شیخ طوسی از عبارت ابن ندیم قطعه «و كانت المعتزلة تدعيه و الشيعة تدعيه و لكنه الى حيز الشيعة ما هو لأن آل نوبخت معروفون بولاية علي و ولده عليه السلام في الظاهر» را بر اساس باور جزمی خویش به عبارت «و كان إمامياً حسن الاعتقاد» تغییر داده است. در برخی موارد نیز شیخ قولی را مخالف با ابن ندیم می آورد؛ مانند: مدخل عمر بن محمد بن سالم بن البراء (۵۰۶) که پس از شرح حال او می گوید: «و قال ابن عبدون: هو محمّد بن عمر بن سالم».

در برخی موارد دیگر نیز تردید می کند؛ مانند مدخل الفضل بن شاذان النیشابوری (۵۶۴) که می گوید: «و ذکر ابن الندیم أنّ له علی مذهب العامّة کتاباً، منها: کتاب التفسیر، کتاب القراءات، کتاب السنن فی الفقه، و أنّ لابنه العباس کتاباً<sup>۱</sup> و أظنّ هذا الذي ذكره الفضل بن شاذان الرازي الذي تروي العامّة عنه.»<sup>۲</sup> همچنین است مدخل ابن مملک الاصفهانی (۹۰۸).

۱. همان، ج ۲، صص ۱۰۸-۱۰۹: «الفضل بن شاذان الرازي، و ابنه العباس بن الفضل. و هو خاصي عامي، الشيعة تدعيه و قد استقصيت ذكره عند ذكرهم، و الحشوية تدعيه. و له من الكتب التي تعلق بالحشوية: كتاب التفسیر، كتاب القراءات، كتاب السنن في الفقه. [بعد ذلك في الأصل بياض سطرین.] و لابنه العباس بن الفضل من الكتب: كتاب [بعد ذلك في الأصل بياض عشرة أسطر.]»

۲. ابن ندیم خود تصریح کرده که مقصودش فضل بن شاذان رازی است، نه فضل بن شاذان نیشابوری. در واقع فضل بن شاذان رازی، مفسر عامی و فضل بن شاذان نیشابوری، فقیه و متکلمی امامی بوده است. بنابراین روشن نیست که چرا شیخ طوسی با این وجود، دو شخصیت بودن این دو نفر را در هاله ای از ابهام و در حد گمانه زنی می داند؟! با نگاهی به تألیفات مذکور برای فضل بن شاذان رازی در فهرست ابن ندیم نیز یقین پیدا می شود که با آثار نام برده شده برای فضل بن شاذان نیشابوری در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی همخوانی ندارد. در بین محققین معاصر برخی بین این دو دچار خلط و اشتباه شده اند، مانند: آقا بزرگ تهرانی در الذریعة، ج ۴، ص ۳۰۰، و ج ۱۲، ص ۲۳۷؛ سید حسن صدر در تأسیس الشيعة، ص ۳۴۴؛ محمد بن علی داودی در طبقات المفسرين، ج ۲، ص ۳۳؛ عمر رضا کحاله در معجم المؤلفين، ج ۸، ص ۶۹ و ...

ابن ندیم همچنین به طور پراکنده در چند جای دیگر از فهرست خودش، از فضل بن شاذان مطالبی آورده است که در ذیل خواهد آمد:

ندیم، الفهرست، ج ۱، صص ۶۴-۶۶: «باب ترتيب نزول القرآن في مصحف عبد الله بن مسعود، قال الفضل بن شاذان: وجدت في مصحف عبد الله بن مسعود تأليف سور القرآن على هذا الترتيب... قال ابن شاذان: قال ابن سيرين: و كان عبد الله بن مسعود لا يكتب المعوذتين في محصفه و لا فاتحة الكتاب، و روى الفضل بإسناده عن الأعمش: قال في قوله قراءة عبد الله... و الفضل بن شاذان أحد الأئمة في القرآن و الروايات...»

همان، ص ۶۷: «باب ترتيب القرآن في مصحف أبي بن كعب، قال الفضل بن شاذان...»

همان، صص ۹۱-۹۲: «الكتب المؤلفة في القراءات... كتاب القراءات للفضل بن شاذان...»

از این موارد روشن می‌شود که شیخ طوسی در مواردی که به غلط بودن اطلاعات کتاب یقین داشته، و یا گمان بر خلاف آن داشته، به گونه‌ای آن را در متن منعکس می‌کرده است. همچنین مشاهده می‌شود شیخ در برخی موارد اطلاعات کتاب ابن ندیم را، با اینکه به نظر اشتباه است، به همان شکل اشتباه انتقال داده است؛ به عنوان مثال در مدخل «أبوخالد بن عمرو بن خالد الواسطی (۸۷۲)» به تبع ابن ندیم وارد شده است. به نظر می‌رسد این راوی همان عمرو بن خالد الواسطی از رؤسای زیدیه است که از زید بن علی روایت دارد و نصر بن مزاحم هم راوی کتاب او است.<sup>۱</sup>

از جمله مواردی که شیخ طوسی اطلاعات ابن ندیم را بدون اجتهاد منتقل کرده، اطلاعات نسبی راویان است. به عنوان نمونه مداخل: علی بن اسماعیل بن میثم التمار (۳۷۴) که صحیح آن با توجه به فهرست نجاشی «علی بن اسماعیل بن شعیب بن میثم بن یحیی التمار» است.<sup>۲</sup> مدخل محمد بن النعمان الاحول (۵۹۵) که صحیح آن بنا بر رجال کشی و فهرست نجاشی «محمد بن علی بن النعمان بن ابي طریفة» است.<sup>۳</sup> مدخل محمد بن قبه (۵۹۷) که صحیح آن بنا بر فهرست نجاشی: «محمد بن عبد الرحمن بن قبه» است.<sup>۴</sup> مدخل عمر بن محمد بن سالم (۵۰۶) که صحیح آن بنا بر نقل خود شیخ در جای دیگر فهرست و رجال خویش و نجاشی «محمد بن عمر بن محمد بن سالم» است.<sup>۵</sup> همچنین است تاریخ تولد شیخ مفید، که شیخ طوسی به تبع ابن ندیم آن را ۳۳۸ق آورده، در حالی که نجاشی که تمام عمر خویش را در بغداد بوده است و در اطلاعات انساب قوی‌تر از ابن ندیم و شیخ است تاریخ دقیق ولادت مفید را ۱۱ ذی القعدة ۳۳۶ق یاد، و قول ۳۳۸ق را به عنوان «قیل» مطرح کرده است.

نکته حائز اهمیت آن است که با توجه به مطالب بالا، در تمامی فهرست ابن ندیم، یادی از فضل بن شاذان نیشابوری امامی نشده است و تمامی مطالب بالا مربوط به فضل بن شاذان رازی است که در دانش تفسیر و قرائت، دارای اثر بوده است. (عزیزپور)

۱. نجاشی، رجال، ص ۲۸۸، مدخل ۷۷۱.
۲. همان، باب العین/باب علی، ص ۲۵۱، مدخل ۶۶۱.
۳. کشی، رجال، ص ۱۸۵؛ نجاشی، رجال، ص ۳۲۵، مدخل ۸۸۶.
۴. نجاشی، رجال، باب المیم/۳۷۵، مدخل ۱۰۲۳.
۵. نجاشی، رجال، صص ۲۹۵ و ۳۵۸؛ طوسی، الفهرست، ص ۴۲۴؛ همو، رجال، ص ۴۴۵.

به نظر می‌رسد شیخ طوسی در نسب‌شناسی مهارت کافی نداشته است و به همین دلیل نه تنها در این مداخل، بلکه در مداخل بسیاری از فهرست، نام راویان را اشتباه یا ناقص منتقل کرده است.<sup>۱</sup> دلیل این امر هم منابع شیخ است. در حقیقت شیخ طوسی به جهت اینکه نسب‌شناس نبوده است گاهی در شناسایی برخی راویان به اشتباه افتاده، و حتی وحدت برخی راویان را که عناوین مختلف دارند، تشخیص نداده است. به عنوان مثال در مدخل [۱۱۷] شیخ ابن نوح استاد نجاشی را «أحمد بن محمد بن نوح» معرفی می‌کند؛ در حالی که نسب او با توجه به تصریح شاگردش نجاشی چنین است: «أحمد بن علي بن العباس بن نوح».<sup>۲</sup> این مطلب در بحث‌هایی که نسب راوی در آنها اهمیت دارد، مثل توحید مختلفات یا کشف تحریفات، اهمیت فراوانی دارد؛ چه بسا شخصی به دلیل اختلاف شیخ و نجاشی در ذکر نسب متعدد شناخته شود، در حالی که حقیقت، خلاف آن است. به طور کلی باید گفت: اختلاف نجاشی و شیخ در ذکر نسب راویان، دلیل محکمی برای اثبات تعدد آنها نیست.

### فواید نسخه‌ای

یکی از راه‌های اعتبار بخشی به نسخ کتاب، سنجیدن اطلاعات نسخ آن با منقولاتی است که بقیه کتاب‌ها به عنوان واسطه از اصل آن دارند. این روش، خصوصاً در جایی که کتاب واسطه، قدیمی باشد یا در صورتی که صاحب آن به نسخه معتبر دسترسی داشته، می‌تواند میزان دقت نقل نسخه‌ها و به تبع، اعتبار آنها را ثابت کند. به نظر می‌رسد در نسخ کتاب‌ها اخذ به الفاظ نسخه در صورتی صحیح است که اولاً اختلافی بین نسخ وجود نداشته باشد و یا در صورت وجود اختلاف، تحریف در یکی از نسخه‌ها طبق قواعد تحریفات روشن باشد، و ثانیاً غرابت و اشکالی در نسخه نباشد؛ چون در این صورت حتی اگر اختلاف نسخه‌ای هم گزارش نشود، در این گونه موارد دلیل اخذ به ظواهر الفاظ که بنای عقلا است، جریان ندارد. در مورد فهرست ابن ندیم و شیخ نیز سنجش اطلاعات این دو

۱. البته توجه به قاعده اختصار در نسب لازم است؛ گرچه در مقام ترجمه و معرفی راوی پسندیده نیست.

۲. نجاشی، رجال، ص ۸۶، مدخل ۲۰۹.

کتاب با یکدیگر، اصل صحت نسخه شیخ از ابن ندیم و صحت نسخ موجود از ابن ندیم را ثابت می‌کند. اما اخذ به دو فرضی که گذشت ثابت نمی‌شود. یکی از کارکردهای کتاب ابن ندیم، دستیابی به نسخه صحیح‌تر در هنگام اختلاف نسخ فهرست شیخ است، تا در نهایت بتوان با در نظر گرفتن مجموع قراین، کشف کرد که کدامیک از نسخ فهرست شیخ نسخه معتبرتر است.

بنابراین دو کاربرد برای این مقایسه وجود دارد؛ یکی تصحیح درست از متن فهرست شیخ طوسی و فهرست ابن ندیم، و دیگری کشف نسخ معتبرتر شیخ که در جاهای دیگر که اختلاف نسخه وجود داشت بتوان از این اعتبار استفاده کرد.<sup>۱</sup>

به عنوان نمونه: در ترجمه «عمر بن محمد بن سالم بن البراء»، معروف به «ابن الجعابی»<sup>۲</sup> اختلاف نسخ مشاهده می‌شود؛ در برخی نسخ لفظ ثقه وارد شده است و در برخی دیگر لفظ ثقه وجود ندارد. بر اساس آنچه به نام قاعدة اصالة عدم الزیاده مشهور شده اصالت با نسخه‌ای است که لفظ «ثقة» در آن وارد شده است و نبود لفظ «ثقه» در بقیه نسخ باید توجیه شود. دلیل این قاعده را می‌توان این‌گونه تقریر کرد: انگیزه‌ها و اسباب رخداد زیاده، بسیار کمتر از انگیزه‌ها و اسباب رخداد نقیصه است. زیاده ممکن است عمدی یا به سبب غفلت رخ داده باشد؛ اما نقیصه، افزون بر عمد و غفلت، می‌تواند از تلخیص و اختصار پدید آمده باشد؛ چنان‌که گاه سبب این است که متکلم در مقام بیان تمام قضیه نبوده و گاه مستند به این است که راوی، قیدی را توضیحی دانسته و بود و نبودش را مساوی پنداشته است.

احتمال «عمد» در هر دو طرف زیاده و نقیصه، با وثاقت راوی، رد می‌شود؛ اما احتمال «غفلت» در طرف نقیصه، بسیار بیشتر از طرف دیگر است؛ زیرا فراوان پیش می‌آید که راوی یا ناسخ، لفظی را فراموش کند و آن را نیاورد؛ اما بسیار دور از ذهن است که بر اثر فراموشی، لفظی را بیفزاید؛ در نتیجه، بنای عقلا در دوران امر میان زیاده و نقیصه، تقدیم «أصالة عدم

۱. همچنین یکی از راه‌هایی که می‌توان در تصحیح فهرست ابن ندیم از آن کمک گرفت نیز استفاده از فهرست شیخ طوسی و نسخ مختلف آن است که متأسفانه در چاپ ایمن فؤاد سید از آن استفاده نشده است.  
۲. طوسی، الفهرست، ص ۳۲۵، مدخل ۵۰۶.

الزیادة» بر «أصالة عدم النقيصة» است؛ زیرا رخداده نقيصه با انگیزه‌ها و اسباب گوناگون، معقول و ممکن است.

اما به نظر این قاعده صحیح نیست زیرا:

۱. انگیزه‌ها و اسباب ادعا شده برای نقيصه (مانند تلخیص و اختصار، توضیحی دانستن قید و...)، در بسیاری از مصادیق، در طرف زیاده نیز، قابل تصور است؛ برای نمونه، در «نقل به معنا» که عین الفاظ، نقل نمی‌شود و هدف ناقل، تنها بیان مراد و مقصود است، احتمال اینکه چیزی را کم یا زیاد کند، یکسان است. همچنین است توضیحی دانستن قید؛ زیرا چنان‌که ناقل، ممکن است بود و نبود یک لفظ را مساوی بشمارد و آن را نیاورد، همان‌گونه ممکن است وجود کلمه‌ای را مضر به معنا بشمارد و آن را بیفزاید.

۲. این دلیل که بنای عقلا بر این است که غفلت در نیاوردن لفظ، بیشتر از غفلت در افزودن آن است، در جایی جاری نمی‌شود که یک مطلب را یک نفر با زیاده، و چند نفر با نقيصه نقل کنند؛ زیرا لازمه جریان آن، نسبت دادن غفلت به چندین نفر برای تصحیح اشتباه یک نفر است!

۳. به طور کلی، بسیاری از اصل‌هایی را که به آنها استناد می‌شود (مانند أصالة الظهور، أصالة الإطلاق، أصالة العموم، أصالة الحقيقة، أصالة عدم الزیادة و...)، نمی‌توان به عنوان ظن خاص، دارای اعتبار عقلایی و شرعی شمرد؛ زیرا در بیشتر جاهایی که اعتبار این اصول توهم شده، اطمینان عقلایی به مراد متکلم وجود دارد؛ از این روست که اگر عقلا به معنای سخنی ظن داشته و به دیگر احتمالات توجه داشته باشند، برای کشف مراد، می‌پرسند و به احتمال مثلاً شصت درصد بسنده نمی‌کنند و آن را کاشف از مراد نمی‌شمارند؛ زیرا چنین نیست که اصول مربوط به باب الفاظ، از قاعده اولی در باب ظنون - که عدم حجیت است - استثنا شده باشند.<sup>۱</sup>

با توجه به اینکه منبع شیخ در اینجا فهرست ابن ندیم است و در آن لفظ ثقه وارد نشده است و از طرفی روش غالبی شیخ، اضافه کردن اطلاعات - خصوصاً در لابه‌لای ترجمه‌اش از منابع - نیست و همچنین اینکه بیشتر نسخ معتبر و نسخ رجالیان متأخر مثل علامه و ابن

۱. پرواضح است آنچه گفته شد، در فرض انفتاح و امکان کشف مراد متکلم است.

داود از این لفظ خالی هستند و گزارشی هم از این اختلاف نسخه نداده‌اند، به نظر می‌رسد اگر نگوییم نسخه‌ای که در آن لفظ «ثقة» نیست، صحیح است، لااقل نسخه دیگر تعیین پیدا نمی‌کند. در نتیجه نمی‌توان لفظ «ثقة» را ثابت دانست.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

نشان داده شد شیخ طوسی الزامی در تصریح به نام مصادر خویش ندارد و همان‌طور که با تصریح به اسم ابن ندیم از او استفاده کرده، بدون تصریح نیز از او استفاده می‌کند. همچنین نشان داده شد که از چه راه‌هایی می‌توان منابع شیخ طوسی در فهرست را کشف کرد و شیخ چه مقدار از ابن ندیم بهره برده است. همچنین روشن شد که شیخ مقدار زیادی متأثر از منابع خویش است و اطلاعات آنها را غالباً بدون تغییر منعکس می‌کند و تنها در مواردی که اطمینان به اشتباه بودن آن دارد، تصحیح می‌کند و در مواردی که تردید جدی دارد به گونه‌ای آن را در متن منعکس می‌نماید. همچنین روشن شد که فهرست ابن ندیم از منابع فرعی شیخ به حساب می‌آید و در جایی که منابع دیگری باشد، شیخ برای تکمیل اطلاعات از آن استفاده می‌کند. کارکرد ارتباط فهرست شیخ و منابعش در رابطه با نقش طرق و نسخ نیز روشن شد و در نهایت در روشن شدن بطلان روش‌های مرسوم در بررسی‌ها و قالب نگرش به کتاب فهرست شیخ تلاش شد.

### منابع و مأخذ

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، بیروت: دار الأضواء، ۱۴۰۳ق.
۲. رحمتی، محمد کاظم، ابن ندیم و کتاب الفهرست، قم: نشر مورخ، چ ۱، ۱۳۹۵ش.
۳. صابری، هادی، فهرست حمید در آینه فهرست شیخ طوسی، مجله پژوهش‌های رجال، شماره ۴، ۱۴۰۰ش.
۴. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، قم: مکتبه المحقق الطباطبائي، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۵. طوسی، محمد بن حسن، رجال الطوسي، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، چ ۳، ۱۳۷۳ش.
۶. عمر رضا کحاله، معجم المؤلفين، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۷. عمرو بن بحر بن محبوب الکنانی، جاحظ، الرسائل السياسية، بیروت: دار ومکتبه الهلال، [بی‌تا].

۸. محمد بن علي بن احمد، شمس الدين داوودی مالکی، طبقات المفسرين، بيروت: دار الكتب العلمية، [بی تا].
۹. مطهری، مصطفی، «بررسی نقل‌هایی از جاحظ در رجال نجاشی و فهرست شیخ»، کتاب شیعه، شماره ۶، صص ۱۱۶-۱۲۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۱ ش.
۱۰. نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۶، ۱۳۶۵ ش.
۱۱. ندیم، ابي الفرج محمد بن ابي يعقوب إسحاق، كتاب الفهرست، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الإسلامی، ۱۴۳۰ق/۲۰۰۹م.

